

***استاد محمد علی طاهری**

بنیانگذار مکتب فکر درمانی و نویسنده کتاب انسان از منظری دیگر
قسمت هشتم

◀ از آنجا که تحولات عرفانی مبتنی بر ارتباط و اتصال با خداوند و همراه با دریافت الهام و آگاهی است، شناسایی الهام الهی و تفکیک آن از القانات و آگاهی‌های شیطانی ضرورت می‌یابد متن حاضر با معرفی دو منشا مثبت و منفی الهام همین هدف را دنبال می‌کند.

با مدعی مگوید اسرار عشق و مستی

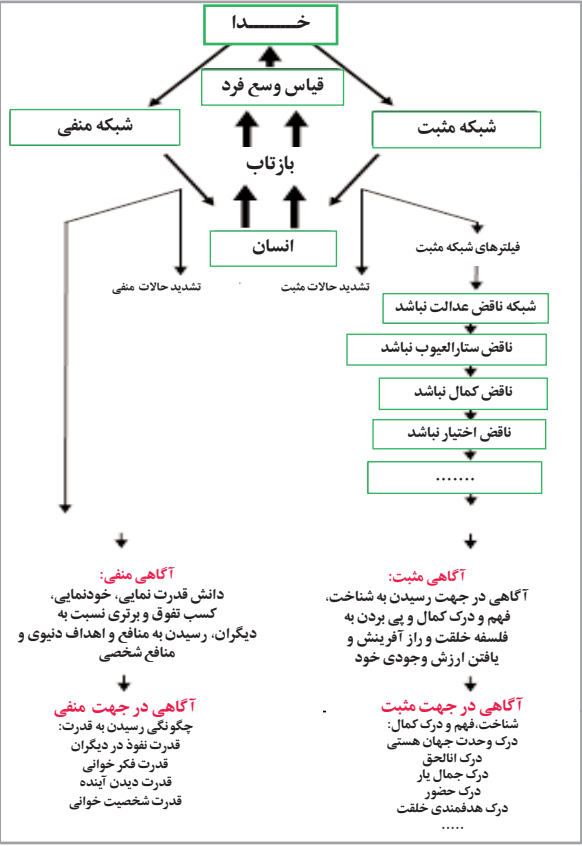
تا بی خبر بمیرد در درد خودپرستی (حافظ)

بدون وجود چنین نیروی بازدارنده ای، حرکت به سمت کمال فاقد ارزش می شد؛ زیرا برای رسیدن به آن، دیگر نیازی به صرف نیرو و راه کارهای مناسب نبود. پس انسان همواره خود را در مقابل دو نیرو و کنشش می بیند که در یکی کنش روحانی و معنوی وکمال جو و در دیگری نیرویی ضدکمال در جریان است.

قانون بازتاب

هر انسانی در هر لحظه، دارای بازتابی وجودی است که نتیجه ی پندار و گفتار و کردار اوست و می تواند مثبت یا منفی باشد. این بازتاب به عالم بالا انعکاس پیدا کرده و از یک فیلتر که

وسع فرد را سنجش می کند، **(لا یكلف الله نقساً الا وسعاً؛** هیچ‌کسی تکلیف ندارد مگر به اندازه‌ی وسع خود– بقره:۲۸۶) عبور کرده و متعاقب آن، بازتاب مناسبی را منطبق بر چارچوب عدالت، مثبت یا منفی برای آن تعیین می کند و به شبکه های مثبت و منفی ارجاع می دهد. شبکه های بازتاب را روی فرد پیاده می کنند…**یضّل من یشاء و یهدی من یشاء…**» (نحل:۹۳). برای مثال، طبق آیه ی زیر در مورد بازتاب منفی، خداوند در قرآن می فرماید که ما خودمان شیطان را بر فرد می گماریم.**«وَمَنْ یَعْمَلْ عُنْ ذُرّاً الرَّحْمَنِ فَیُضِلَّ لَهُ شَیْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِینٌ»**(الزخرف:۳۶). « هرکس از رحمانیت الهی غافل شود، بر او شیطان می گماریم که با او همراه و رفیق باشد.» عکس العمل بازتاب، در وهله ی اول، تشدید همان بازتاب را برای فرد ایجاد می کند و در وهله ی دوم، آگاهی مثبت و یا منفی را به نسبت بازتاب شخص برای او به وجود آورده و باعث هدایت و یا گمراهی شخص می شود. بنابراین، انسانی که خسیس است احتمالاً این که خسیس تر بشود خیلی بیش تر است تا این که خساست او کم تر شود و یا این که انتظار می رود آدم بدجنس، با بدجنس تر شود و آدم آگاه، آگاه تر. لذا در قانون بازتاب آن چه که گفته می شود…**«فَإِنَّ اللَّهَ یُضِلُّ مَنْ یُشَاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یُشَاءُ…»** (فاطر : ۸) به خوبی می توان فهمید که بر چه اساسی به کمک شبکه ها، ترتیب گمراهی یا هدایت انسان داده می شود؛ چگونه بر انسان شیطان گمارده می شود یا مشمول هدایت می شود. در شکل ساده ای رابطه ی انسان، خدا و شبکه ها نشانده شده است.



در توضیحات زیر، راجع به هر یک از موارد مشروحه ی شبکه ی مثبت و منفی مطالب بیشتری را بررسی خواهیم کرد:

● فیلتر آگاهی هایی که ناقص عدالت باشد

شبکه ی مثبت، هرگز آگاهی هایی را که موجب نقض عدالت الهی شود، در اختیار انسان قرار نمی دهد. برای مثال، این شبکه اگر آگاهی در مورد سوالات امتحانی را فاش کرده و در اختیار کسی بگذارد نقض عدالت شده است؛ و این کار را به طور قطع انجام نخواهد داد. پس اگر فردی نتوانست مانند چنین کارهایی را انجام دهد، مشخص است که آگاهی آن را فقط از شبکه منفی توانسته است دریافت کند و شبکه ی مثبت به طور مسلم چنین اطلاعاتی را در اختیار کسی قرار نمی دهد.

● فیلتر آگاهی هایی که ناقص ستارالعیوبی باشد

شبکه ی مثبت، خود ستار العیوب بوده و عیب همگان را می پوشاند. بنابراین، غیرممکن است که اطلاعات مربوط به شخصیت و معایب افراد را در اختیار کسی قرار دهد؛ پس اگر فردی چنین آگاهی هایی دریافت می کند که مربوط به شخصیت دیگران است و می تواند با این اطلاعات عیب کسی را آشکار کرده و با درون کسی را ببیند، به طور قطع و یقین این آگاهی از شبکه ی منفی است.

فقط خداوند است که از ذات انسان ها خبر دارد (ان الله علیم بذات الصدور) (آل عمران: ۱۱۹). به همین دلیل است که قضاوت در مورد انسان ها به طور مطلق، مختص خداوند است و کلیه ی قضاوت های انسانی، سطحی و ناقص است.

● فیلتر آگاهی هایی که ناقص اختیار انسان باشد

فلسفه ی خلقت انسان، بر مبنای رسیدن انسان به کمال طراحی شده است، در این صورت عملی که این هدف را تحقق می بخشد، اختیار انسان است. بدون وجود اختیار، هیچ مسئولیتی متوجه انسان نیست. پس اگر اختیار انسان مختل و مخدوش شود، نقشه و طرح عظیم خلقت به طور کامل عیب و بیهوده خواهد شد. بنابراین، شبکه ی منفی از راه های مختلف، در صدد مخدوش کردن اختیار انسان است. یکی از این راه

سلامت

شبکه‌های مثبت و منفی

گفت لیلی را خلیفه، کان تویی					
کز تو مجنون شد، پریشان و غوی					
از دگر خوبان، تو افزون نیستی					
دیده ی مجنون، اگر بودی تو را					

عاشق به وحدت می رسد و غیراز معشوق خود را نمی خواهد. در واقع عاشق موحد می شود و غیراز یار خود را طلب نمی کند. هر که را به او نشان بدهند، با هم نگاه او فقط به سمت معشوق خوداست. عاشق از تجربه ی عشق خود، به وحدت می رسد و موحد می شود. در واقع یکی از اهداف عشق زمینی رسیدن به همین درک است: ***خاموش کن و چندین، غمخواره مشو آخر آن نفس که عاشق شد، اماره نخواهد شد (مولانا)***

● درک حضور

شوق وصل در وجود عاشقانش، وجدی غریقابل تصور بر می انگیزد. وصل او در این برهه از زندگی، که در مسیر «الیه راجعون» به سوی او می رویم؛ همان درک حضور است که انسان بالاتر از آن را نمی تواند تجربه کند. پس نهایت درجه ی وصل در جسم، رسیدن به درک حضور اوست.

● درک هدفمندنی خلقت

رسیدن به درک این موضوع که خلقت بر اساس نقشه ی هدفمندنی صورت گرفته، انجام کار عیب و بیهوده از خداوند محال بوده و خلقت نیز با طرحی هوشمندانه و منظوری متعالی تحقق پیدا کرده است.

● نحوه تشخیص آگاهی های شبکه مثبت و منفی

همان گونه که در تقسیم بندی فوق دیده می شود، بسیاری از قدرت هایی که انسان به آن ها دل بسته و به شدت منبال می کند و برای به دست آوردنش سال ها وقت سپری می کند، همگی اهدایی شبکه ی منفی هستند و شبکه ی مثبت محال است که حتی یکی از آن ها را در اختیار اشخاص بگذارد، زیرا نقض کننده ستارالعیوب بودن، عدالت الهی، اختیار انسان و… است. به هرحال شبکه ی مثبت فقط آگاهی های کمال را در اختیار انسان می گذارد و نه چیز دیگری را. بدون شک یکی از شیرین ترین تجارب در دنیای عرفان، دریافت آگاهی است. پرشدن خلاء ناآگاهی با آگاهی ناب الهی که خود لذتی غیرقابل توصیف دارد و می تواند انسان تشنه را سیراب کند. اما گاهی این تشنگی به قدری زیاد است که امکان دارد او هر جامی را یا با هر محتوایی سر بکشد؛ بدون توجه به این که این شراب اهدایی، ممکن است از شبکه ی منفی باشد.

کلیه اطلاعات ماورایی که انسان به دست می آورد، یا از شبکه مثبت است و یا از شبکه منفی.

اطلاعات شبکه ی مثبت، انسان را در جهت کمال هدایت کرده و راه رسیدن به وحدت را با جهان هستی برای او فراهم می کند. از پیامدهای این هدایت، رسیدن به شادی درونی، آرامش و… است. اطلاعاتی که در جهت خودنمایی و منافع شخصی، نحوه ی تسلط و نفوذ در دیگران و فکرخوانی است و نیز کلیه ی اطلاعاتی که نقض کننده ی عدالت الهی، اختیار انسان و ستارالعیوب بودن پروردگار شده و باعث بر هم زدن امنیت خصوصی دیگران شود و ایجاد کثرت کند، از شبکه ی منفی است و شبکه ی مثبت، هرگز چنین اطلاعاتی را در اختیار افراد قرار نمی دهد.

از پیامدهای استفاده دانسته و یا ندانسته از اطلاعات شبکه ی منفی، رسیدن به اضطراب و نازاری، افسردگی، ناامیدی، غم و اندوه، احساس تنهایی و… است. گذشته از این موارد، کلیه ی اطلاعاتی که ایجاد ترس و وحشت، لهزه و اضطراب، یأس و ناامیدی، غم و اندوه و افسردگی و… در انسان کند، چه در خواب و چه در بیداری، به طور قطع از شبکه منفی است.

 آگاهی‌های صادره از شبکه مثبت	 آگاهی‌های صادره از شبکه منفی
– آگاهی‌های سریوط به فلسفه خلقت	– آگاهی‌های مربوط به کسب قدرت و کسب برتری نسبت به دیگران
هدف آفرینش و نحوه رسیدن به کمال	 آگاهی‌ جبهت کشف عیب دیگران و شخصیت آن‌ها و ترغیب برای قضاوت در مورد افراد وقرار گرفتن در فاز منفی وسوق پیدا کردن به سمت عالم کثرت
–نحوه حل تضاد و رسیدن به وحدت	– آگاهی جهت رسیدن به قدرت، مانند فکر
–نحوه رسیدن به ادراک کمال	– آگاهی جهت رسیدن به قدرت، مانند فکر
–درک وحدت جهان هستی	– آگاهی های تقویت سن و منیت
–درک انالاحق	– احساس ناامیدی،ترس،اضطراب، تنهایی،
–درک جمال یار	–افسردگی (چه در بیداری و چه در خواب)
–درک هدفمند بودن خلقت انسان	
–درک حضور	
–ایجاد امید، آرامش، امنیت، شادی	

● کمال و قدرت

اطلاعات و آگاهی هایی را که انسان می تواند به زندگی بعدی انتقال دهد، مهم ترین بخشی است که در عرفان حلقه مورد بررسی قرار می گیرد. برنامه ریزی برای حرکت در مسیر کمال که در دنیای عرفان به آن *سیر وسلوک* گفته می شود، بستگی به شناسایی مسیر دارد، تا به طور دقیق اطلاع داشته باشیم که در این مسیر، چه چیزهایی مورد نیاز است و بدین وسیله ضمن صرفه جویی در وقت، همه ی آن چه که مورد نیاز است، تدارک دیده شود. پس لازم است اطلاعاتی در باره ی زندگی های بعدی نیز داشته باشیم؛ برای مثال، زندگی بعدی ما در لامکانی ادامه پیدا می کند و در آن، ما ابعاد مکان را از دست داده و قادریم در آن واحد در هر جایی حاضر باشیم و در آن جا، فقط بعد زمان بر ما حاکم خواهد بود. با توجه به توضیحات فوق، اگر داشته های انسان را شناسایی و دسته بندی کنیم، می توانیم تشخیص دهیم که کدام یک از این داشته ها در زندگی بعدی کاربرد خواهد داشت.

داشته های زمینی شامل دانش ها، قدرت ها، توان ها و تخصص ها، کلیه ی اطلاعاتی است که برای زندگی روزمره مورد نیاز بوده و بدون وجود آن ها، امکان زندگی برای انسان دشوار می شد و حاصل عمر انسان، کسب این دانش ها و اطلاعات است. برای مثال، دانش اقتصاد، فن و تکنیک حسابداری، دانش طراحی ماشین، رایانه، ساختمان، هواپیمای و… هیچ یک از موارد ذکر شده در زندگی بعدی کاربردی ندارند؛ و فقط درصورتی که در این زندگی منجر به فهم و درک کمال بشوند، مفید و مؤثر بوده و در غیراین صورت رنج بیهوده تلقی می شود.

به عبارتی دیگر، ما در یک بازی زمینی شرکت داریم تا بلکه با تجربه های ناشی از این بازی، بتوانیم به درک مظاهر گوناگون کمال برسیم. بنابراین، قدرت ها و توان هایی که انسان بر اثر ورزش، تمرین و ممارست به دست می آورد؛ مانند قدرت وزنه برداری، پرش، اسکی، مهارت ماشین نویسی، رانندگی، آرایشگری و… هیچ کدام از این ها در زندگی بعدی به درد ما نخورده و مورد استفاده ای ندارند؛ فقط نتیجه های ناشی از این تجارب است که در خدمت رسیدن ما به هدف اصلی از آمدن و رفت ما به این جهان است. برای مثال ما ورزش می کنیم و قدرتمند می شویم تا بیمار نشده و سالم باشیم و در نتیجه بهتر و راحت تر بتوانیم به چارچوب کمال بیندیشیم. در حرفه ای توانمند می شویم تا

صبح اقتصاد

نانی به کف آورده و در کنار آن بتوانیم پاسخی برای کمال خود پیدا کنیم که بدون چنین پاسخی، آمد و رفت ما عبث و بیهوده خواهد بود. *ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری(سعدی)*

داشته هایی را که به اصطلاح، ماورایی نام گذاری کرده ایم، شامل قدرت های ماورایی مانند فکرخوانی، آینده بینی، شخصیت خوانی و… هستند که هیچ یک از این موارد، مورد استفاده ای در زندگی بعدی نخواهند داشت در حالی که برای کسب آن ها، سال های متمادی از وقت انسان هدر رفته است.

بخش دیگری از دانش های ماورایی، دانش کمال است که شامل کلیه ی آگاهی هایی است که در مسیر کمال به آن ها نیازمند هستیم و همان گونه که بررسی خواهد شد، تنها بخشی از دانشه های انسان را تشکیل می دهد که قابل انتقال به زندگی بعدی است. این داشته ها فقط آن بخش از ادراکات انسان را تشکیل می دهد که در حیطه ی کمال مطرح است؛ مانند درک انالالحق، درک وحدت، درک جمال الهی و…

همان گونه که به طور مختصر اشاره شد، هیچ یک از داشته های زمینی انسان، قابل انتقال به زندگی بعدی نیست. برای مثال، اگر انسان تسلط کامل به علم اقتصاد، حسابداری، روان شناسی، رایانه و… داشته باشد، در زندگی بعدی هیچ گونه ارزشی نداشته و فاقد هنرنغ کاربردی هستند. این داشته ها فقط به عنوان واقعیتی هایی در زندگی کنونی به کار گرفته شده، تا ضمن گذران زندگی، انسان با استفاده از آن ها به حقایق دیگری دست پیدا کند.

به همین صورت، هرگونه قدرت و مهارت بدنی نیز در زندگی بعدی کاربردی ندارد؛ برای مثال، شخص وزنه برداری که وزنه ی چند صد کیلوگرمی را بلند می کند و یا ورزشکاری که چند متر رکورد پرش دارد، هیچ یک از این توان ها را در زندگی بعدی نمی تواند به کار بگیرد و این توان ها در این زندگی در خدمت کسب سلامتی و تندرستی او بوده اند تا بتواند با داشتن تن سالم و عمر طولانی تر، به چگونگی راز خلقت پی ببرد. همچنین قدرت های ماورایی انسان نیز مانند طالع بینی، فکرخوانی و شخصیت خوانی، طی الارض و… در زندگی بعدی مورد استفاده ای ندارند.

برای مثال اگر انسان طی الارض کند، در زندگی بعدی به علت این که فاقد بُعد مکان است و جابجا شدن آئی برای همه ی کالبد های ذهنی میسر است، هیچ گونه ارزشی نخواهد داشت؛ درحالی که ممکن است بخش زیادی از عمر خود را صرف به دست آوردن آن کرده باشد و با دیدن آینده، خواندن فکر دیگران و… همه ی این چیزها در آن جای برای همه امکان پذیر است و این قدرت ها دیگر ارزشی نخواهند داشت زیرا در آن زندگی قرار است، انسان تجارب ارزشمندتری را کسب کند. با این توضیحات، نتیجه می گیریم که هیچ نوع قدرتی قابل انتقال به زندگی بعدی نیست.

بخش دیگر دانش های ماورایی، دانش کمال است که تنها بخشی است که به زندگی بعدی انتقال پیدا می کند و انسان به دست ما در آن جا به هیبت خود، شامل ادراکاتی است که در بالا به آن ها اشاره شد؛ درک وحدت، درک *انا الحق* و… آگاهی های مربوط به این ادراکات که فقط از طریق شبکه ی مثبت در اختیار انسان قرار می گیرد. بخش دیگری که از نتیجه گیری اعمال انسان حاصل می شود، در خدمت رسیدن به ادراکاتی است که هم اکنون توضیح داده شد. در این جا برای روشن شدن نتیجه ی اعمال، به ذکر مثالی می پردازیم. فرض کنید که دانش آموزی تانکون از درس دیکته، صدها بار نمره ی صفر گرفته است؛ زمانی که این دانش آموز موفق شد از این درس، نمره ی بیست بگیرد، در این صورت آیا نمره های صفر گذشته ی او اهمیتی خواهد داشت؟ و یا برعکس دانش آموزی که همیشه نمره بیست از امتحان خود می گرفته است، حالا صفر بگیرد؛ آیا دیگر اهمیتی دارد که او همیشه بیست می گرفته است؟ پس نتیجه اعمال انسان و پایان نامه ای که او برای خود از بازی دنیا می نویسد، دارای اهمیت است و در تمام اعمال در نتیجه، حاصل همه ی زندگی انسان در میزان درک او از دانش کمال و نتیجه گیری اعمال او خلاصه می شود. لذا همه ی داشته های انسان را می توان در دو دسته ی کلی کمال و قدرت خلاصه کرد و نتیجه گرفت که فقط در این راستا دانش کمال است که ارزش پی گیری دارد و قدرت به هرگونه ای که باشد، زوال پذیر است و عمر انسان را بر باد داده، گاهی نیز موجب فریب او می شود و تحت نام کرامات باعث می شود که ما در خدمت شبکه ی منفی قرار بگیریم. مولانا قدرت را به حلوا تشبیه کرده، آن را خوراک کودکان می داند و توصیه می کند تا صبر کرده از خوردن آن بپرهیزیم تا اصل ماجرا که درک کمال است، از راه برسد.

<i>گر سخن خواهی که گویی چون شکر</i>	<i>صبر کن از حرص و این حلوا مخور</i>
<i>صبر باشد، مشمت های زیرکان</i>	<i>صبر کن از حرص و این حلوا مخور</i>
<i>هرکه صبر آورد، گردون برزرد</i>	<i>صبر باشد، مشمت های زیرکان</i>
<i>هرکه صبر آورد، گردون برزرد</i>	<i>صبر کن از حرص و این حلوا مخور</i>
<i>هرکه حلوا خورد، واپس تر رود (مولانا)</i>	<i>صبر کن از حرص و این حلوا مخور</i>
<i>کرامات، مجموعه ی چیزهایی است که انسان را به کمال برساند و آن چیزها، فقط آگاهی و ادراک توان بالقوه ی الهی است؛ یعنی در مسیر کمال از کسی پرسیده نمی شود که چه قدرتی دارد؟ بلکه سؤال می شود، به چه آگاهی هایی رسیده و به چه درکی نایل شده است؟</i>	<i>صبر کن از حرص و این حلوا مخور</i>

● تعریف روشن بینی

روشن بینی یعنی روشن دیدن و رسیدن به وضوح دید، در مورد جهان هستی و فلسفه ی خلقت و این که از کجا آمده ایم؟ به چه منظوری آمده ایم؟ به کجا می رویم و چه هدفی را دنبال می کنیم؟ روشن بینی یعنی چشم بصیرت پیدا کردن و توانایی درک معرفت یافتن و رسیدن به قابلیت خواندن کتاب هستی که کتاب مبین و آیات آشکار خداوند است.روشن بینی نتیجه ی ارتباط و اتصال به شبکه ی مثبت است و چیزی نیست که بتوان بیهوده ادعای آن را داشت، نمی توان به زور به آن رسید و در دنیای عرفان و معرفت و شهود و اشراق قابل حصول است.

در بعضی از مکاتب، تبعات اتصال به شبکه منفی را «**روشن بینی**» می خوانند و آن را وسیله ی قدرت نمایی و اعمال برتری بر دیگران قرار داده، موجب انحراف فکری برای خود و دیگران می شوند که در بحث «کمال و قدرت» و «شبکه های مثبت و منفی» به آن ها اشاره شده است و در این جا نیز اشاره ی مختصری به آن ها می کنیم.

– آن چه که نفوذ در حریم مقدس دیگران باشد؛ مانند فکرخوانی، مسخ و…
– آن چه که ستار العیوب بودن را نقض کند؛ مانند قدرت شخصیت خوانی، برملا کردن عیب و اسرار دیگران و…
– آن چه که اختیار انسان را نقض کند؛ مانند قدرت مسخ دیگران و…
– آن چه که حوادثی را به انسان تحمیل کند؛ مانند طلسم و جادو و…
– آن چه که عدالت الهی را نقض کند؛ مانند طالع بینی و…

– آن چه که از طریق کار با «**من فون الله**» (غیر از خدا) به دست می آید؛ مانند کمک گرفتن وهمکاری با روح، جن و… به جای خداوند (نقض پیمان ایاک نستعین) (فاتحه: ۵).

●●● هشدار مهم: همه ی علاقمندان به کمال و تعالی باید آگاهی لازم برای تشخیص کمال و قدرت را داشته باشند و فرق آن ها را به خوبی بدانند تا به دام شبکه ی منفی اسیر نشوند که راهی از آن، کاری بسیار دشوار است.